

هند در فاز تاریخی «صعود هیتلر به قدرت

گفت‌وگوی لورانس دفرانو با ژان ژوزف بوایو

نه ماه پس از انتخاب مجدد نارندرا مودی، رهبر حزب ناسیونالیست هندو بهار اتیاجاناتا (بی جی پی) به عنوان نخست‌وزیر هند، ژان ژوزف بوایو، پژوهشگر اقتصاد در مؤسسه روابط بین‌الملل و راهبردی (Iris)، با تاکید بر اینکه در هند «نوعی فرایند فاشیستی در کار است» از شباهت‌های رژیم هند با چین می‌گوید.

■ آیا نارندرا مودی آیا در حال تخریب بنیادهای لائیک هند است؟

مغز متفکر سیاست‌های دولت مودی وزیر کشور او آمیت شاه است. اوست که از زمان انتخابات ۲۰۱۹ در مصدر امور بوده است. آر اس اس شاخه مسلح حزب حاکم بی جی پی، در طی ۵ سال گذشته در نهادهای مختلف، در نظام آموزشی، در دادگاه عالی، پلیس و به‌ویژه ارتش با بودجه‌ای که ۳۰ درصد افزایش یافته، نفوذ کرده است. این دستگاه دولتی و ایدئولوژی بودند که مودی را پیش انداختند. از زمان آخرین انتخابات، هند شاهد شتابی در تحرکات و اقدامات خشونت‌بار سیاسی بوده است. تا پاییز، سخن از «دموکراسی قومی» بود. از آن زمان تا امروز، با توجه به موضوع قانون شهروندی، روشن است که روندی فاشیستی در کار است. نیروهای انتظامی جلوی خروجی مسجدها می‌ایستند، شاهد هجوم پلیس و کنترل اوراق شناسایی هستیم، قانون مبنی بر ممنوعیت تجمع پیش از چهار نفر به کار گرفته شده است. مرحله بعدی درخواست از دادگاه عالی خواهد بود تا اعلام کند ایالت‌هایی که از اجرای قانون شهروندی سرباز می‌زنند، مشروعیت قانونی خود از دست خواهند داد. احتمالاً صلاحیت و توانایی مدیریتی چند ایالت سلب خواهد شد و قدرت مرکزی ابتکار را به دست خواهد گرفت تا استراتژی سیاسی قومیتی خودش را تحمیل کند. اما، از شانس بد در اینجا واکنش‌ها خیلی مهم خواهد بود.

■ آیا تظاهرات هفته‌های اخیر استثنائی بوده‌اند؟

از سال ۱۹۷۵ و اعلام وضعیت استثنائی توسط ایندیرا گاندی، شاهد بسیجی چنین قوی و گسترده نبوده‌ایم. حتی تظاهرات ضد فساد هم تا این اندازه عظیم نبود. دلیل آن این است که برنامه آر اس اس مبنی بر تحمیل قانون خون به جای قانون خاک، بسیار شوک‌آور بوده است. در مواجهه با اقتصادی که در حال فروپاشی است، دستور کار حکومت کاملاً ایدئولوژیک است؛ حکومت می‌گوید «مشکل این نیست که پیاز گران است، مشکل مسلمانانی هستند که پیازهای شما را می‌خورند.» مسلمانان سیبل یا هدف آسانی هستند، چرا که پس از چندپارگی هند در سال ۱۹۴۷، نخبگان اقتصادی و روشنفکران مسلمان از کشور خارج شدند. امروز، سطح سواد متوسط مسلمانان چنان تنزل پیدا کرده که به سطح دالیت‌ها [پائین‌ترین گروه اجتماعی در نظام کاستی آیین هندو که پیشتر غیرقابل لمس خوانده می‌شدند] رسیده است. در حالی که مسلمانان ۱۵ درصد جمعیت هند را تشکیل می‌دهند، هیچ مسلمانی در نیروهای

ویژه و در ستاد ارتش وجود ندارد. روشنفکران هندی کم کم دارند می‌فهمند که به زودی پس از مسلمانان نوبت به بقیه می‌رسد. در سرتاسر هند، گروه‌های تندرو هندو به کلیساهای مسیحی حمله کرده‌اند. ما در یک سکانس تاریخی به سر می‌بریم که یادآورد صعود هیتلر به قدرت است. در آلمان نازی هم یهودی‌ها، کمونیست‌ها، کولی‌ها و همجنسگرایان یکی پس دیگری مورد حمله قرار گرفتند.

■ آیا نارندرا مودی از الگوی اقتدارگرایانه همسایه‌اس شی جین پینگ الهام می‌گیرد؟

مودی مجذوب الگوی چینی است، و روابط میان این دو مرد بسیار خوب است. هند آرمان تبت را واگذاشته و مشکلات مرزی میان دو کشور حل و فصل شده است، درست همان طوری که مشکلات مرزی میان آلمان نازی و ایتالیا حل شد. درست مانند چین، هند بیست هزار سازمان غیرانتفاعی را که بودجه‌شان از خارج تأمین می‌شد، ممنوع کرده است. ۹۰ درصد نشریات و تلویزیون‌های هندی در کنترل طرفداران مودی هستند، و آنها تقریباً هیچ خبری در مورد اعتراضات هنگ کنگ مخابره نکردند. فرای تفاوت‌های صوری میان دو نظام سیاسی هند و چین، باید بر شباهت دهلی و پکن درنگ و فکر کرد. در تعداد رو به افزایشی از کشورها، صاحبان قدرت در مواجهه با افزایش نابرابری‌ها و بیکاری توده‌ای ناشی از روند ضدجهانی‌سازی پس از ۲۰۰۸ روی شکاف میان اکثریت به اصطلاح قومی و اقلیت‌ها دست گذاشته‌اند و همان طور که در هند و چین می‌بینیم، اقلیت‌های مسلمان (کشمسر، اویغور، روهینگیا) و بعضاً مسیحیان تبدیل به بلاگردان شده‌اند. شیوه‌های سرکوب هم به شکلی عجیب ترکیبی از ۱۹۸۴ جورج ارول و دنیای قشنگ نو آلدوس هاکسلی اند.

■ آیا مقاومت ممکن است؟

تفاوت عمده‌ای میان هند و چین وجود دارد. در تبار چین ساختار امپراطوری وجود دارد و این ساختار به آن ابزارهای لازم برای نوعی «اقتصاد فرماندهی» از بالا را داده است که شامل طرح‌های عظیم احیا و بازیابی و تسخیر جهان از طریق «جاده‌های ابریشم جدید» است. به طور سنتی، روح مقاومت خودش را در حاشیه‌های امپراطوری نشان می‌دهد (امروز در هنگ کنگ، تایوان، تبت و سین‌کیانگ) و غالباً به میانجی فلسفه‌های آزادی‌خواهانه/آنارشستی مثل تائوئیسم یا اجتماع‌گرایانه مانند بودیسم. مقاومت و تنش گاهی در غالب شورش‌های مردمی طغیان می‌کند، مثل شورش دستارزدها که سقوط سلسله تانگ را تسریع کرد. در هند، دولت مرکزی بسیار فقیرتر از آن است که بخواهد به یک برنامه بازیابی گسترده فکر کند. در وضعیت فعلی، هند ساختاری فدرال دارد و به ویژه متشکل از قدرت‌های محلی و اجتماع‌گراست که می‌توانند در برابر ضربه‌های رژیم مرکزی آلترناتیو‌هایی ارائه دهند. برای مثال، جنبشی خاموش حول کشاورزی طبیعی در حال بسط است که پاسخی است به توسعه نامناسب هند، و به طور مشخص به مسائلی همچون سوءتغذیه، بحران آب، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بدهی، بیکاری، فساد و حکمرانی بد. با فرارسیدن فاز حاد-جهانی‌سازی کلیت بازار به وضعیت تشنج‌آمیز نهایی خود رسیده و نارضایتی و نفی توده‌ای برانگیخته است. من به سنت هندی نافرمانی مدنی و غیرخشونت‌بار هندی برای یافتن راه‌های مقاومت اطمینان دارم.

منبع: لیبراسیون

